



تاریخچه مختصری از هشت مارچ روز جهانی همبستگی زنان

در هشت مارچ 1857 تظاهرات کارگران کارگاههای پارچه بافی و لباس دوزی "نیویورک" در آمریکا که خواهان افزایش دستمزد، کاهش ساعات کار و بهبود شرایط نامساعد کار بودند، با حمله پلیس و کتک زدن برهم خورد

در سال 1907 عیسوی به مناسبت پنجاهمین سالگرد مبارزات زنان برای تامین حقوق شان دست به تظاهرات زدند. آنجا بود که ایده انتخاب روزی از سال به عنوان "روز زن" برای اولین بار تحت شعار "حق رأی برای زنان" پیشنهاد شد.

دو هزار زن تظاهرکننده در سال 1909 پیشنهاد کردند که در هر سال، یکشنبه آخر ماه فیبروری تظاهرات سرتاسری به مناسبت "روز زن" برگزار گردد.

در سال 1910 میلادی در کنفرانس که در کوپنهاگ به رهبری لویس ژینتر (نماینده حزب سوسیالیست آمریکا) برگزار شد و در آن صد زن از هفده کشور حضور داشتند، پیشنهاد روز هشت مارچ را به عنوان (روز جهانی زن با محدودیت موضوع حق رأی) مطرح نمودند و کلارا رتکیسن "عضو حزب سوسیال دموکرات آلمان این جریان را پیگیری کرد.

همچنان که زنان سوسیالیست اتریش تاریخ اول "ماه می" را پیشنهاد کرده بودند، مگر "اول می" روزی که جایگاه و مفهومی داشت که مبارزات مشخص بر سر مسئله زن را تحت شعاع قرار میداد، و زنان سوسیالیست آلمان روز 19 مارچ را (که روز مبارزات انقلابی در سال 1848 علیه رژیم شاهی پروس بود) پیشنهاد نمودند.

در سال 1914 که در اروپا آتش جنگ جهانی اول شعله ور بود زنان انقلابی اروپا تظاهرات هشتم مارچ سالهای 1915 و 1916 را تحت شعار "علیه جنگ امپریالیستی" برگزار کنند، اما تقسیم بندی کشورهای درگیر در جنگ به "موافقین و مخالفین جنگ" انشعاب در صفوف زنان، مانع برگزاری سراسری و گسترده روز جهانی زن گردید.

تظاهرات زنان پتروگراد در سال 1917 علیه گرسنگی و جنگ (آغاز انقلاب روسیه)، کارگران ازین تظاهرات پشتیبانی نمودند و هشت مارچ 1917 به یک روز فراموش نشدنی در تاریخ انقلاب روسیه تبدیل شد.

در اواخر دهه 1930 دنیا یکبار دیگر بسوی جنگ جهانی دیگر میروید و برگزاری "روز جهانی زن" در کشورهای تحت سلطه فاشیستی ممنوع اعلام میشود. علیرغم این ممنوعیت در بسیاری از ممالک اروپایی تظاهرات هشتم مارچ صورت میگیرد.

در دهه شصت در کشورهای آسیایی، آفریقایی و آمریکای لاتین جنبش های رهائی بخش انقلابی و ترقیخواهانه همراه با جنبش رهائی زن اوج و گسترش چشمگیری یافت.

در سال 1975 سازمان ملل هشتم مارچ را به عنوان "روز جهانی زن" به رسمیت شناخت.

در سالهای بعد از ختم جنگ جهانی دوم با توسعه سرمایه داری به کشورهای عقب مانده بخش بزرگی از زنان درگیر کار و تحصیل شدند، مگر متأسفانه زنان همچنان در موقعیت درجه دوم قرار داشته و اسیر نظام مرد سالاری بودند.

با آنچه گفته آمدیم، بیجا نخواهد بود از زحمات و خدماتی که اعلیحضرت امان الله خان و خانم شان ملکه ثریا بحیث مدافعین حقوق زنان و طرفداران حق تحصیل برای زنان افغانستان، یاد آوری کنیم.

اعلیحضرت امان الله خان که در تاریخ افغانستان به شاه معارف پرور و آزادیخواه شهرت دارد همواره از داعیه حقوق زنان حمایت نموده و استدلال میکرد: زنان تعلیم یافته و منور میتوانند خانم ها و مادران خوب باشند و همین زنان هستند که میتوانند فرزندان خوبی را که آینده متعلق به آنها است، بار بیاورند.

بنابراین شاه امان الله خان و جوانان افغان از جمله اولین مدافعان حقوق زنان، نخستین طرفداران حق تحصیل زنان و مخالف جدی تعدد زوجات بودند.

قابل تذکر است که ملکه ثریا خانم اعلیحضرت امان الله خان در یک خانواده روشنفکر دنیا آمده بود و به چندین زبان (ترکی، عربی، فرانسوی و فارسی) بلدیت داشت. نامبرده که زن زیرک، آگاه، شجاع و فاضله تحت تربیت سالم پدرش "محمود طرزی" نویسنده، دانشمند و گرداننده با تدبیر "سراج الاخبار" بود نقش مهمی را در تعلیم و تربیه زنان بازی کرد که در ذیل نمونه هائی از آن را ذکر می‌کنیم.

- در سال 1920 میلادی مکتب مستورات افتتاح شد. به این ترتیب اولین مکتب نسون پایه گذاری شد.
 - در سال 1921 میلادی جهت تکامل معنوی و آموزش و پرورش زنان مکتب "عصمت" در شهر آرای کابل افتتاح شد که بعد ها این مکتب بنام لیسه ملالی مسمی گردید.
 - در سال 1924 میلادی ملکه ثریا اولین شفاخانه مخصوص زنان را در کابل افتتاح نمود و دختران را برای فراگیری تحصیلات در رشته های طبابت و پرستاری به کشور ترکیه فرستاد.
- در سال 1928 میادی انجمن حمایت نسون را که متشکل از دوازده عضو بود، به سرپرستی کبرا جان خواهرش تاسیس کرد. در همین سال در لویه جرگه که زنان هم اشتراک کرده بودند حقوق زنان با مردان مساوی اعلان شد و ملکه ثریا از جا بلند شد و چادر نازک خود را که بر روی کشیده بود، از سر گرفت و همانجا پاره کرد.
- بدین سان ملکه ثریا نخستین زن ایست که "روی لچی" را در افغانستان اعلام کرد.

متأسفانه این همه مبارزات و تلاش های اعلیحضرت امان الله خان و ملکه ثریا برای آزادی زنان در افغانستان از جانب روحانیت ارتجاعی و متنفذ، بر سر این مسئله، نه تنها تاج و تخت سلطنت را از دست دادند، بلکه از کشور نیز تبعید شدند.

مردم حق شناس افغانستان، تا هنوز هم به مناسبت های مختلف، بخصوص بمناسبت بزرگداشت از سالروز استرداد استقلال کشور نام این شخصیت بزرگ ملی و فداکار را با تکریم و احترام عمیق به زبان می آورند.

مقام والای این شخصیت سیاسی و رهبر وطن پرست افغان را همین اکنون پس از گذشت صد سال از حصول استقلال میتوان هنگام شنیدن خاطرات بزرگان و ریش سفیدان هموطن به وضاحت درک کرد و به محبوبیت معنوی او در بین ملت پی برد.

و اما

زنان وطن امسال در حالی هشتم مارچ را تجلیل میکنند که تلاش دولت کابل در جهت ختم جنگ و تامین صلح تسریع گردیده و هیات آمریکائی برای انجام مذاکرات تاریخی و سرنوشت ساز با طالبان تلاش میکند. زنان در دوره حاکمیت این گروپ به حاشیه رانده شده بودند و آنها نه تنها از خشونت فیزیکی (لت و کوب، سوختاندن، قطع اعضای بدن و ...)، بلکه از خشونت های روانی نیز رنج میبردند و از بدوی ترین حقوق خود در جامعه برخوردار نبودند.

بزرگترین نگرانی زنان همانا بحث های پشت پرده است. آنها نمی خواهند و نمی گزارند که قربانی معاملات پس پرده حکومت، جامعه بین المللی، احزاب سیاسی و جناح های مخالف شوند که باین نتیجه دست آورد ها، مشارکت، و حقوق زنان را به معامله بگیرند.

زنان افغان خواهان صلح عادلانه و پایدار هستند. این صلح باید مستلزم مشارکت گسترده زنان باشد، زیرا هیچ صلحی بدون مشارکت زنان پایدار نخواهد بود.

لیلا ابراهیم

مارچ 2019